



۱۳۸۲ / ۴ / ۲۰

۱۳۸۲ / ۴ / ۲۰

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
تهیه مدارک

موضوع:

چند پارگی فرهنگی و تاثیر آن بر توسعه سیاسی

در ایران معاصر

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر احمد موثقی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر کیومرث اشتریان

محقق:

بهر روز علیخانی

۴۷۳۶۳

بهار ۱۳۸۲

۴۷۳۶۳



فرم ارزشیابی پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده: حقوق و علوم سیاسی گروه: علوم سیاسی

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی متعلق کارشناسی ارشد دانشجویان دانشگاه تهران

آئی: بهروز علیخانی به شماره دانشجویی: ۲۱۰۱۷۹۰۰۶ در رشته: علوم سیاسی
گرایش: علوم سیاسی پایان نامه خود به ارزش: ۴ واحد و آنکه در نیمسال اول سال تحصیلی: ۸۰
اخذ و ثبت نام نموده بود، تحت عنوان: چند پارگی فرهنگی و تاثیر آن بر توسعه سیاسی در ایران معاصر

به سرپرست (استاد راهنما): دکتر موثقی استاد مشاور: دکتر اشتریان استاد مشاور دوم (حسب مورد): دکتر ملک محمدی
در تاریخ: ۸۲/۲/۲۷ در حضور هیات داوران به شرح ذیل با (مرتبت / عدم موفقت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

اسامی هیات داوران	مرتبه علمی	محل اشتغال	امضاء
۱- استاد راهنما: دکتر احمد موثقی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲- استاد مشاور: دکتر کیومرث اشتریان	استادیار	" "	
۳- استاد مشاور: دکتر حمیدرضا ملک محمدی	استادیار	" "	
۴- استاد داور			
۵- استاد داور یا استاد مشاور دوم			

به عدد	به حروف
۱۸,۷۵	هجده و هفتاد و پنج

نمره نهایی هیات داوران:

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیات داوران (متوسط) اعلام می شود.

سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده
با سلام، نظر به اعلام نمره نهایی فوق الذکر از جانب هیات داوران خواهشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام مقتضی مبذول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: دکتر ابراهیم متقی
امضاء و تاریخ: ۸۲/۲/۲۸

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیات داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد.
تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

به نام خدا

چکیده تحقیق

هدف از این پژوهش پاسخ دادن به این سوال است که چند پارگی فرهنگی چه تاثیری بر توسعه سیاسی در ایران معاصر داشته است؟

بدنبال پاسخ بدین سوال با استفاده از تئوری‌های مطرح شده در مورد ارتباط حوزه فرهنگ و توسعه و همچنین فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی که به خصوص پس از جنگ جهانی دوم در میان نظریه پردازان غربی مطرح شده است، به مطالعه تاریخ معاصر ایران پرداخته‌ایم. چند پارگی فرهنگی که ناشی از تعارضات بوجود آمده در حوزه فرهنگ می‌باشد، شامل شکافهای مختلف اجتماعی می‌باشد. از آنجا که «شکافهای تمدنی» دست کم به اندازه سایر شکافهای فرهنگی بر تحولات سیاسی، اجتماعی معاصر ایران اثرگذار بوده‌اند، بیشتر بر آنها تاکید کرده‌ایم و با این دید تاریخ معاصر ایران را به سه دوره مشروطه، پهلوی و انقلاب اسلامی تقسیم نموده‌ایم.

بطور کلی می‌توان گفت چند پارگی فرهنگی در ایران که بیشتر ناشی از شکافهای تمدنی بوده است، از رویارویی دو نظام متفاوت معرفتی با ارزشهای کاملاً از هم تمایز حکایت می‌کند؛ و چالش این دو نظام معرفتی با هم باعث ایجاد جو بدبینی، بی‌اعتمادی، ترس و خشونت در حوزه اجتماعی و سیاسی گردیده و مانع پیدایش هم‌پذیری و تساهل لازم برای مشارکت و رقابت سیاسی که از شاخصهای اصلی توسعه سیاسی می‌باشند، گردیده است.

با تشکر و قدردانی از:

* **استاد ممتزم راهنما:** جناب آقای دکتر احمد موثقی بخاطر کمال محبت و بزرگواریشان

در یاری اینجانب و راهنمایی‌های جهت دهنده در تدوین موضوع و کلیات تحقیق و نگارش

* **استاد ممتزم مشاوری:** جناب آقای دکتر کیومرث اشتریان که با نظرات اصلاحی خود

زمینه غنای این تحقیق را فراهم آوردند و در طول این مدت از هیچگونه همکاری دریغ

نورزیدند.

* **و از کلیه** دوستان که در امر جمع آوری اسناد و منابع مرا یاری نمودند بخصوص خانم

برمک و آقای حسینی تشکر می‌نمایم.

بهرروز علیفانی

مقدمه

انسانها بوسیله زبان با یکدیگر پیوند می‌یابند و از این پیوند گروهها و جامعه‌ها پدید می‌آیند. گروه واحدی است مرکب از دو یا چندتن که با یکدیگر ارتباط دارند و جامعه، گروه وسیع و با دوامی است مرکب از بسیاری مرد و زن و کودک که وجوه اشتراک فراوانی دارند و برای بقاء و استمرار خود همکاری می‌کنند و سازمانهای متعدد بوجود می‌آورند. جامعه نتیجه روابطی است که بین افراد برقرار می‌شود؛ با جامعه به عنوان عاملی مستقل، در همه اعضای خود موثر می‌افتد و همه افراد را تغییر می‌دهد، جامعه به عنوان جمع عددی افراد نیست، بلکه واحدی است با کیفیتی مستقل و کلی، متمایز از اجزای خود، وجود کلی آن ناشی از وجود افراد است ولی وجود کیفی آن از افراد استقلال دارد. وجود کلی آن ناشی از وجود افراد است ولی وجود کیفی آن از افراد استقلال دارد. بنابراین جامعه کیفیات مستقل و قانونمندیهای خاص خود را دارد.

فرهنگهای جوامع گوناگون صرف نظر از تفاوت‌هایی، وجوه مشترکی دارند که از جوامع انسانی سرچشمه می‌گیرند. فرهنگ به جامعه انسانی نظم و نسق، شیرازه، پویائی، جهت و تمایز خاصی می‌بخشد. بدین ترتیب با نادیده انگاشتن فرهنگ هر جامعه، شناخت، توصیف و تبیین آن جامعه ناممکن می‌نماید و نیز تجویز راهبردهای مؤثر و در خود به منظور گسترش توسعه و اعطای مکانیسم‌های موجود و قابلیت‌های در دسترس و اتخاذ تدابیری رهگشا به منظور رفع معضلات مبتلا به آن با مشکل مواجه می‌شود.

بررسی نقش و تأثیر فرهنگ در توسعه سیاسی و اجتماعی نیز از اهمیت بسیار برخوردار است. توسعه سیاسی - به عنوان یکی از ابعاد مهم توسعه همه جانبه و پایدار - از یک طرف مستلزم تحول در ساخت سیاسی و از طرف دیگر مستلزم تحول در حوزه فرهنگ است. به عبارت دیگر دلایل توسعه نیافتگی سیاسی را باید از دو منظر مختلف مورد مطالعه قرار داد. نخست مطالعه ساخت سیاسی در بعد کلان و ساختارهای سیاسی در بعد خرد و دوم مطالعه ابعاد مختلف فرهنگ.

در ایران مطالعه ابعاد ساختاری سیاست به نسبت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، اما مطالعه در زمینه فرهنگ شاید به دلیل انتزاعی بودنش همچنان بکر مانده است. این در حالی است که سهم فرهنگ در توسعه نیافتگی سیاسی جامعه ما کمتر از سهم ساختارها نیست. از طرف دیگر تاریخ معاصر ایران در طول یکصد سال گذشته به ما می آموزد که تحول در ساختارهای سیاسی و حتی فرو افتادن حکومت‌های استبدادی، برای محو استبداد و احیاناً توسعه سیاسی ناکافی بوده است. چرا که با فرو افتادن هر حکومت استبدادی پس از بهاری زودگذر بار دیگر زمستان سرد و سخت استبداد بازگشته است و بی تردید این سخت جانی و پایداری بی حد و حصر استبداد در این بسترزمین بدون توجه به فرهنگ قابل توجیه و تبیین نیست. به همین دلیل کالبد شکافی و ریشه‌شناسی فرهنگی و سپس آسیب‌شناسی و نقد آن جزء اولین قدم‌هایی است که می‌تواند در راه پروژه دموکراسی برداشته شود.

طرح مسأله:

یکی از مفاهیم مهمی که سالهاست متفکران و نظریه پردازان علوم سیاسی را به خود مشغول کرده است، مفهوم توسعه و به تبع آن توسعه سیاسی است.

تاکنون پژوهشهای بسیار زیادی در این زمینه صورت گرفته است و متفکران مختلفی آن را از زوایای گوناگونی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و مکاتب فکری متفاوتی حول این مفهوم شکل گرفته است.

اکثر پژوهشهای انجام شده در ایران، ساختار قدرت سیاسی را عامل اصلی عدم توسعه یافتگی سیاسی در ایران می‌دانند، از این منظر ساخت متصلب قدرت مانع از هرگونه مشارکت و رقابت سیاسی می‌گردد و هرگونه مخالفتی را در نطفه خفه می‌سازد.

ولی از جهت دیگر، در برخی از مقاطع تاریخی ما شاهد فروپاشی ساخت قدرت سیاسی هستیم و سوال این است که چرا در این دوران که هیچ‌گونه ساخت قدرتی وجود نداشت که مانع مشارکت و رقابت گروههای مختلف شود، ما نتوانستیم به یک حکومت مبتنی بر این‌گونه مفاهیم دست یابیم و چرا پس از دورانی از هرج و مرج دوباره تن به ساخت قدرت متصلب دیگری می‌دهیم؟

از اینجاست که ما باید ریشه‌درد را در جای دیگر جستجو کنیم.

یکی از حوزه‌هایی که در این زمینه زیاد جدی گرفته نشده است حوزه فرهنگ است که شاید به دلیل انتزاعی بودن مفهوم آن می‌باشد. با وجود این پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از نظریه پردازان توسعه به این حوزه توجه خاصی نشان دادند و پژوهشهای منسجمی انجام دادند؛ متفکران مکتب نوسازی یکی از عوامل اصلی توسعه سیاسی را در حوزه فرهنگ یافتند.

در ایران اولین بار در دوره قاجار و با جنگهای ایران و روسیه بود که اهمیت پیشرفت و ترقی یا به تعبیر امروزی توسعه در بین برخی از نخبگان سیاسی و روشنفکران مطرح گردید و از آن زمان بود که مفاهیم تمدنی غرب وارد فرهنگ سنتی و مذهبی ما گردید.

نخستین رویارویی فرهنگی را ما در جریان انقلاب مشروطه شاهد هستیم. که بخش وسیعی از نیروهای سنتی به مخالفت با مفاهیم غربی پرداختند و بعضاً به حمایت از استبداد محمد علیشاه روی آوردند و شاه ظالم خدا پرست را بر حکومت روشنفکران بی دین ترجیح دادند.

پس از آن بود که روشنفکران و نیروهای مدرن آن زمان برای نابودی چنین مفاهیمی که به نظر آنها عامل اصلی توسعه نیافتگی ایران بود نیاز به یک قدرت برتر را حس کردند که بتواند از بالا و در مدت زمان کوتاهی این ساختارهای فرهنگی را از سر راه بردارد و در واقع زمینه‌های فکری و ایدئولوژیکی حکومت رضا شاه را باید در اندیشه‌های اینگونه روشنفکران یافت.

پس از آنکه رضا شاه به نمایندگی از این پاره فرهنگ قدرت را بدست گرفت به سرکوب شدید نیروهای سنتی پرداخت ولی پس از چندی چنین سرکوبی دامن خود نیروهای مدرن را نیز گرفت و رضا شاه تبدیل به پادشاهی خود کامه گردید.

از مقاطع تاریخی که ما دوباره شاهد این رویارویی فرهنگی هستیم، دوران ملی شدن صنعت نفت و نخست وزیری دکتر مصدق است. در آن زمان اگر چه نیروهای ملی و مدرن با بخشی از نیروهای سنتی و مذهبی بر علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی متحد شدند ولی پس از چندی اختلافات فکری و فرهنگی، آنها را از هم دور کرد و حتی نیروهای سنتی و مذهبی در صنف طرفداران کودتا ظاهر شدند و مصدق را کافر بی دین و دشمن اسلام خواندند. در جریان انقلاب اسلامی نیز همانند دو مقطعه دیگر این نیروها در کنار هم به مبارزه با دشمن مشترکشان پرداختند ولی پس از پیروزی این بار اسلامگراها قدرت را در دست گرفتند و به خارج کردن نیروهای مدرن و غربگرا از صحنه قدرت سیاسی پرداختند.

با چنین منازعات و کشمکشها، فضایی برای توسعه سیاسی که مبتنی بر مشارکت و رقابت سیاسی همه گروههای اجتماعی است باقی نماند و از سوی دیگر ما نتوانستیم راه برون رفتی از نخستین بحران توسعه سیاسی یعنی بحران هویت بیابیم و همچنان دست

در گریبان آن هستیم، وجود این گونه شکاف ذهنی آشتی ناپذیر (و یا شکافی که در مورد آن هنوز راهی پیدا نشده است) مانع پیدایش همپذیری و تساهل لازم شده است.

از طرف دیگر چنین پارگیهایی به باز تولید ساخت قدرت مطلقه پرداخته است و هر گاه یکی از این پاره فرهنگها غالب می شود به سرکوب طرف دیگری می پردازد. از یکسو چند پارگیها زمینه تمرکز بر منابع قدرت را مساعد می سازد و از سوی دیگر تمرکز منابع قدرت موجب تشدید چند پارگیها می گردید.

همچنین فقدان اعتماد در فرهنگ جامعه موانع بزرگی بر سر راه ایجاد نهادی همگانی ایجاد می کند و هیچ گاه یک اجماع کلی بر سر اهداف کلان در بین گروههای اجتماعی بوجود نمی آید.

سؤال اصلی:

سؤال اصلی در این پژوهش این است که چند پارگی فرهنگی و تعارض این پاره فرهنگها در طول تاریخ معاصر ایران (از مشروطه به بعد) چه تأثیری بر توسعه سیاسی داشته است؟

فرضیه تحقیق :

چند پارگی فرهنگی و تعارض این پاره فرهنگها با هم، باعث عدم توسعه یافتگی سیاسی و ایجاد رژیمهای غیر رقابتی در ایران معاصر گردیده است.

تعریف مفاهیم (متغیرها):

فرضیه فوق متشکل از دو متغیر اصلی می باشد که چند پارگی فرهنگی متغیر مستقل و توسعه سیاسی متغیر وابسته می باشد. در زیر جهت روشن تر شدن بحث به تعریف یا عملیاتی کردن این واژهها می پردازیم:

الف - چند پارگی فرهنگی:

چند پارگی فرهنگی به شکافهای فرهنگی گفته می‌شود که شامل شکافهای تمدنی، طبقاتی، قومی، جنسی، سنی و سایر شکافهای اجتماعی می‌باشد. ولی از آنجا که شکافهای تمدنی بیش از سایر شکافهای فرهنگی بر تحولات سیاسی، اجتماعی ایران اثر گذار بوده‌اند و شکافهای دیگر به گفتهٔ دکتر بشریه یا هنوز به مرحله آگاهی نرسیده‌اند و یا اینکه تأثیر کمی داشته‌اند، تأکید ما بر جایگیری لایه‌های مختلف تمدنی با مفاهیم متفاوت فرهنگی در کنار یکدیگر است.

بنابراین گروههای ایدئولوژیک، بر اساس تنوع فرهنگی خاص خود، تفاسیر و موضع‌گیریهای مختلف و متعددی نسبت به جریانات سیاسی - اجتماعی و نظام سیاسی دارند.

ب - توسعه سیاسی:

در این پژوهش منظور از توسعه سیاسی، تحولی است از یک نظام سیاسی سنتی مبتنی بر زور به یک نظامی سیاسی مبتنی بر مشارکت مسالمت‌آمیز سازمانیافته و نهادمند کلیه گروهها و نیروهای اجتماعی، چنین نظامی کلیه بحرانهای سیاسی را پشت سر گذاشته است و ظرفیت پاسخگویی بالایی دارد و همچنین مبتنی بر یک فرهنگ سیاسی عقلانی می‌باشد.

از جمله شاخصهای مهم توسعهٔ سیاسی در این پژوهش **مشارکت سیاسی و رقابت سیاسی** می‌باشد. مشارکت سیاسی به مثابه شرکت افراد در فعالیتهای سیاسی در چارچوب قوانین موجود می‌باشد، این امر یک وظیفه اجتماعی است که وقوع آن دلالت بر سلامت نظام سیاسی بوده و بهترین روش برای تأمین منافع اشخاص تلقی شده و یکی از مهمترین ابزارهای نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی محسوب می‌شود.

رقابت سیاسی به معنی رقابت سیاسی مسالمت‌آمیز و بدون خشونت کلیه گروههای اجتماعی در عرصهٔ قدرت سیاسی است.

ضرورت و هدف پژوهش:

از آنجا که نظام سیاسی توسعه یافته در جهان امروز به گفتمان غالب سیاسی تبدیل شده است هدف از این پژوهش روشن کردن موانع فرهنگی توسعه نیافتگی سیاسی در ایران معاصر است. در حوزه فرهنگ نیز خود را درگیر مفاهیم کلی و انتزاعی چون روح ملتها و همچنین پیدا کردن خصلتهای فرهنگی جوامع نکرده‌ایم، بلکه با تأکید بر مصادیق تاریخی سعی در نشان دادن جبهه بندی‌های لایه‌های فرهنگی در مقابل هم کرده‌ایم و تأثیر آن را نیز در ساخت قدرت سیاسی در دوره‌های مختلف نشان داده‌ایم.

روش تحقیق (روش مطالعه و گردآوری منابع):

با عنایت به موضوع مورد بحث روش توصیفی که دارای اشارات تاریخی - تحلیلی بر اساس مبانی تئوریک و شاخصهاست بعنوان روش تحقیق انتخاب شده است و با بهره‌گیری از اسناد و داده‌های تاریخی در جهت آزمون و اثبات فرضیه اصلی خواهیم کوشید.

حدود و نقطه تمرکز پژوهش:

نقطه تمرکز رساله حاضر از نظر مکانی ایران و از لحاظ زمانی تاریخ معاصر ایران (از مشروطه به بعد) است.

سازماندهی پژوهش:

در پاسخ به سوال اصلی، رساله حاضر در چهار فصل تنظیم شده است. فصل نخست به طرح مبانی نظری و تئوریک پژوهش اختصاص دارد، در این فصل سعی بر این بوده است که مفاهیم به دقت تعریف شوند و همچنین مباحث نظری مطرح شده در زمینه فرهنگ و توسعه سیاسی و ارتباط دو مفهوم را با هم در آثار مختلف روشن سازیم.

در فصل دوم (دوران شکل‌گیری شکافهای تمدنی)، به اندیشه‌های متفکرانی که برای نخستین بار فکر و فرهنگ غربی را از طریق مفاهیمی که در آثار خود مطرح کردند و وارد عرصه‌های اجتماعی، فکری و فرهنگی داخلی نمودند، می‌پردازیم. این تحول که موجب شکل‌گیری پاره فرهنگ رقیب در کنار فرهنگ سنتی و مذهبی خودی شد، در جریان جنبش مشروطه به چالش‌هایی انجامید که باعث بازگشت دوباره ساخت قدرت مطلقه گردید.

دوران ۵۰ ساله حکومت پهلوی فصل سوم این پژوهش می‌باشد که در ابتدا به جریانات فکری و همچنین نشریات پیش از روی کار آمدن رضا شاه می‌پردازیم که به عقیده ما زمینه‌های فکری و ایدئولوژیک روی کار آمدن رضا شاه را مهیا ساختند و همچنین چگونگی برخورد رضا شاه به عنوان نماینده پاره فرهنگ مدرن گرا با نیروهای سنتی و مذهبی نشان داده خواهد شد.

در مقطع دیگری از دوران پهلوی به چگونگی شکل‌گیری جبهه ملی و مبارزات آن علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی پرداخته می‌شود و همچنین به علل تفرقه و اختلافات فکری بین نیروهای ملی و مدرن به رهبری مصدق و نیروهای سنتی و مذهبی به رهبری کاشانی اشاره می‌شود و سرانجام تأثیر این اختلافات را بر روی کار آمدن ساخت قدرت مطلقه روشن می‌سازیم.

در فصل چهارم نیز دوباره به منازعات و اختلافات فکری فرهنگی بین طرفداران این دو لایه تمدنی در اوایل انقلاب اسلامی تا زمان برکناری بنی صدر و روی کار آمدن حزب جمهوری می‌پردازیم. در این فصل نشان داده خواهد شد که محتوا و ریشه اختلافات میان نیروهای مختلف اجتماعی همان کشمکشهای فکری، فرهنگی زمان مشروطه می‌باشد.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

الف.....	چکیده تحقیق
ب.....	مقدمه
ت.....	طرح مسأله
ج.....	سؤال اصلی
ج.....	فرضیه تحقیق
ج.....	تعریف مفاهیم (متغیرها)
چ.....	الف - چند پارگی فرهنگی
چ.....	ب - توسعه سیاسی
ح.....	ضرورت و هدف پژوهش
ح.....	روش تحقیق (روش مطالعه و گردآوری منابع)
ح.....	حدود و نقطه تمرکز پژوهش
ح.....	سازماندهی پژوهش

فصل اول: چارچوب نظری (تعریف مفاهیم)

۲.....	تعاریف فرهنگ
۳.....	فرهنگ سیاسی
۷.....	خرده فرهنگ
۸.....	توسعه
۱۱.....	توسعه سیاسی
۱۴.....	فرهنگ و توسعه
۱۵.....	فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی
۲۰.....	چند پارگی فرهنگی و توسعه سیاسی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۲۴	چند پارگی فرهنگی و تساهل سیاسی
۲۷	پانوشتهای فصل اول

فصل دوم: جنبش مشروطیت (دوران شکل‌گیری شکافهای فرهنگی)

۳۳	مقدمه
۳۹	آراء و افکار پیام آوران فکر تجدد
۳۹	عباس میرزای قاجار
۴۰	امیرکبیر
۴۰	میرزا حسین خان سپهسالار
۴۳	میرزا فتحعلی آخوند زاده
۴۷	میرزاملکم خان ناظم الدوله
۵۱	میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی
۵۹	مقاومت سنت گراهای مذهبی در مقابل متجددین قرن ۱۹
۷۳	مفاهیم مطرح شده در جریان جنبش مشروطه
۷۳	قانون
۷۴	آزادیخواهی
۷۶	مساوات
۸۰	جمع بندی
۸۲	پانوشتهای فصل دوم

فصل سوم: حکومت پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴)

۹۳	دوران تشدید شکافهای فرهنگی
----	----------------------------